

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

ققنوس لمبه
۱۵,۰۱,۲۰۰۹

سیستانی، اکادمیک هرزه گر و دفاع ریاضی وار از ملالی جویا

به یاد ندارم چه زمانی و چه کتابی بود که در مورد ادوارد سعید می خواندم، ولی دقیقاً به یادم است که در مورد شماری از روشنفکران بی مسلک (هرزه گرایان سیاسی) گفته بود که هستند شماری از روشنفکرانی که تا حد جزم گرایی نااندیشیده از یک خدای سیاسی حمایت می کنند و پس از چندی که از آن سرخورده شدند برای خود خدای سیاسی جدیدی خلق می کنند و با همان جزم گرایی نااندیشیده قبلی از آن دفاع می کنند.

این سخن ماندگار ادوارد سعید، وضعیت مسخره اکادمیسین پرچمی (سیستانی) را به خوبی نشان می دهد. هرزه گر اکادمیک ما، گاه از راه "شورای انقلابی" نوکرانی چون کارمل و نجیب را خدای سیاسی اش ساخته و بیای آنان وجدانش را تبر می زند و پس از یک جنگ زرگری از این دو دلخور شده؛ جانی مردی کثیف چون مسعود را خدای فکر و ذکرش می سازد و تا می تواند برای پکول و مکولش می گوید و می نویسد و پس از یک سرخوردگی، این بار برای شستن لکه های ننگین دامنش بیای ملالی جویا میرود و چنان مجذوب شهامت او می گردد که از انحرافات بسیار جدی ایدئولوژیکش چشم می پوشد و چون طفلک لجوج نق زده اکت و ادای دفاع از ملالی جویا می نماید و یکباره او را به خدای سیاسی اش تبدیل می کند. دفاع خشک و ریاضی وار یک پرچمی از ملالی جویا و سکوت او در مقابل این دفاع، سوالاتی را در ذهن خلق می کند که بایست خود ملالی جویا جواب بدهد.

در جهان سوم، شماری زیادی از اکادمیسین ها به مرض مهلک پیروی متعصبانه دچار اند و استبدادگرایان تلاش می ورزند جای روشنفکران را به متخصصین و تکنیسین ها بدهند تا با اندیشه ویرانگر شان تجاوز و استبداد را رسمیت ببخشند و این شیوه ایست که در کشور ما، هم مالکان "شورای انقلابی" به آن توسل جستند و هم اکنون امپریالیست های غربی به آن توسل می جویند.

راسل جاکوبی به این باور است که در جوامع استبدادی و استعماری جای روشنفکران را تکنیسین های صنف های درس اشغال می کند، افرادی ساکت و صامت که فهم و درک شان ناممکن است؛ کسانی که از مجرای کمیسیون ها ("شورای انقلابی" - لمبه) استخدام می شوند و نگرانی شان راضی نگه داشتن ولینعمت ها و کارگزاران گوناگون خود است؛ کسانی که با دیپلوم های پوهنتونی و آمریتی اجتماعی روش تجاوزکارانه را پیش می گیرند. و اکنون دیده می شود که بهترین نمونه این نوع صامت ها و ساکت ها، سیستانی است و عده ای ظاهراً "شعله یی" نیز به او تاسی بسته، اندیشه ویرانگر را تبلیغ می کنند و باب امپریالیستی را بیش از پیش می گشایند.

بحث بر نوشته های سیستانی در باره مبارز مردانی چون سید حسن موسوی و داد نورانی و دفاع بت واران از ملالی جویاست. سؤالی که ذهن کنجکاو را اشغال می کند، اینست که چرا داد نورانی و حسن موسوی مورد غضب و غیظ سیستانی، یاسر و چند تا "چپ" دیگر قرار گرفته و در پشت سنگر ملالی جویا این همه هیاهو راه انداخته و به زغم خود شان انقلاب را به پایان رسانده اند!!

واضح است. پس از آنکه داد نورانی از مدیر مسؤولی نشریه روزگاران استعفاء داد و سیاست های سازشکارانه آن را خبط سیاسی خواند و با خط فکری جدید نشریه مبارز "پیشرو" را روی دست گرفت و ضمن انتشار آن سیاست های سربازی، ویرانگر، ارتجاعی و سازشکارانه حاکم را به نقد کشید، یکباره رگ های گردن شماری پندید و هیاهوی

بی معنی راه انداخته و زبان به بدگویی گشودند. مدال گیری از اتحادیه اروپا و کنگره امریکای اشغالگر، تحسن های یونامی، شرکت در پارلمان اشغالی، شرکت در رژیم پوشالی، ابهام گرایی و مبارزه برای بورژواترین دموکراسی از مواردی بود که زیر شمشیر برنده نشریه "پیشرو" رفت و قلمبدستان مبارز پیشرو این اندیشه های ویرانگر پر زرق و برق را افشاء کردند، نمی دانم مخالفت "پیشرو" چرا عده ای را به غیظ آورده است، در حال که این عده مدعی مبارزه ضد امپریالیزم نیز هستند؟؟

یکی از وظایف جدی روشنفکران در کشورهای مستعمراتی اینست که در کنار مردم قرار بگیرند و روشنگرانه مردم را در مبارزه بر ضد استبداد و استعمار رهبری کنند، نه اینکه با اندیشه های ویرانگر مردم را به سراب استبداد و استعمار ببرند و آنان را بر بازوان ستبر رهایی شان بی باور ساخته؛ کنگره های امپریالیستی، پارلمان های اشغالی و نهاد های استبدادی را مرجع نجات آنها دانسته و به این صورت به "پلورالیزم" سیاسی استعمار تن بدهند و باور مردم را بپای استعمار سر ببرند.

بدون شک یکی از افرادی که ناگزیر زیر این انتقاد می رفت، ملالی جویا بود. زیرا او بر بازوان ستبر توده ها باور ندارد و استدلال می کند که: "امریکا (اشغالگر کشور ما - لمبه) باید حمایتش را از جنگ سالاران و جنگ افروزها متوقف سازد (در آخرین دیداری که بوش از افغانستان داشت، با دست شورانیدن سیاف ها و ربانی ها نشان داد که امریکا به این تیوری ها ! پیشیزی ارزش قایل نیست) و کمک کند که انسانهایی مثل سیاف، ربانی، قانونی، فهیم، خلیلی، محقق، اسماعیل و دیگران به عوض نصب شدن در مقامات کلیدی، بمثابة جنایتکاران جنگی (به نظر ملالی جویا امریکا جنایتکار نه بلکه مرجع دادخواهی توده هاست) به محاکمه کشانیده شوند...."*

این طلب حمایت در حالی صورت می گیرد که ملالی جویا و همفکران گاه گاه از اشغال نیز صحبت بعمل میاورند، کدام عقل سلیم (البته منظور سیستمی و یاسر نیست) می تواند بپذیرد که در عین زمان هم مخالف اشغال بود و هم طالب حمایت از آن؟

این اصلی ترین نکته اختلاف است. در یک سو مبارزانی چون موسوی و نورانی و پورتال مردم گرا و ضد اشغال، افغانستان آزاد - آزاد افغانستان ایستاده است و با رسالت مبارزاتی به افشاگری و روشنگری میروند و در سوی دیگر پرچمی خاینی چون سیستمی و کرنشگران او با پورتال مرتجع جرمن جرمن گرفته اند و در تلاش نهادینه نمودن استبداد و استعمار در کشور ما هستند.

حال خوانندگان قضاوت کنند: یکسو مبارزانی چون خلیل الله معروفی، داکتر میر عبدالرحیم عزیز، ملالی نظام، نسرين معروفی، موسوی، حمید انوری با پورتال افغانستان آزاد و داد نورانی با نشریه "پیشرو" ایستاده اند و به جنگ استعمار و استبداد میروند و اصول را قربانی دفاع ریاضی وار نمی سازند و اندیشه های ویرانگر را آماج قرار می دهند و در سوی دیگر سیستمی پرچمی، یاسر، عاصم سیف و... ایستاده اند و اندیشه های ویرانگر را تبلیغ می کنند و کاکا بوش را ناجی توده های ستمدیده افغانستان قلمداد کرده، از گرفتن هیچ مدالی دریغ نمی ورزند، حق با کیست؟

سیستمی جان، با تراشیدن خدای جدید سیاسی نمی توانی لکه های ننگین دامن خونین پرچمی گری ات را از دیده های انقلابیون پنهان کنی ولی بدون شک چنان که موسوی مبارز گفته است می توانی چپ های جامعه مدنی و سازشکار را بر محور "شورای انقلابی" ات جمع کنی و با قهرمان پروری های کور، استبداد را در کشور ما نهادینه بسازی؛ چیزی که راسل جاکوبی به خوبی به آن اشاره کرده است.

سیستمی، تو کجا و موسوی مبارز و داد نورانی انقلابی کجا؟

* در همین حال خواهر مبارز نسرين معروفی نیز مدتی قبل مصاحبه ای با ملالی جویا در سایت افغان جرمن آنلاین انجام داده بود که ضمن برجسته ساختن اشغال کشور ما توسط نیروهای امریکایی و ناتو در چندین پرسش، ملالی جویا در پاسخ به ابهام گرایی رو می آورد که کلیت پاسخ ها، آری گفتن به اشغال است. و این جدی ترین بحث با ملالی جویا و دیگران است.